



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مسأله

قرآن، کتاب آسمانی دین اسلام است که آیات آن طی ۲۳ سال بر قلب مبارک نبی مکرم اسلام (ص) نازل شد. این کتاب مقدس با زبان فصیح عربی (مانند یوسف، ۴ و طه، ۱۱۳) سخنان و مقاصد خداوند را از طریق رسول مکرم اسلام (ص) با وضوح و روشنی (تعبیر مبین در وصف قرآن؛ نک: حجر، ۱) به مردم ابلاغ کرده است؛ با این وجود همه آیات قرآن وضوح یکسانی ندارند و حتی برخی به نوعی متشابه است (آل عمران، ۷). از این رو برای فهم مقاصد خداوند تفسیر آیات قرآن ضرورت پیدا کرد. اولین مفسر قرآن، پیامبر اسلام (ص) بود (نحل، ۴۴ و ۶۴). سپس راسخان در علم، از جمله اهل بیت گرامی آن حضرت به ویژه امیرالمومنین علی (ع)، به تفسیر قرآن پرداختند (کلینی، ج ۱: ۵۳۰؛ ابن ابی الحدید، ج ۹: ۸۴). البته فقط معصومان (ع) مفسران قرآن نیستند، بلکه ایشان اصحاب خود را به تفسیر آیات قرآن تشویق می‌کردند. بر این اساس دانشمندان اسلامی به تفسیر آیات قرآن پرداختند. در قرن اخیر برخی تفاسیر مانند تفسیر نمونه و المنار، بیشتر به دنبال کاربردی کردن آموزه‌های قرآن در زندگی بودند. تفسیر نور نیز در این جهت گام برداشته و مؤلف آن سعی کرده است مضامین آیات قرآن را ساده و روان و با دسته‌بندی ارائه دهد تا قابل فهم همه مردم باشد و به راحتی بتوانند آموزه‌های آن را در زندگی روزمره به کارگیرند. مؤلف تفسیر پس از سال‌ها برنامه قرآنی، پیوند جالب توجهی بین مردم و قرآن برقرار کرد. نگاه او به ساده‌سازی معانی آیات قرآن و زمینه‌سازی برای عمل به مضامین آن بود. از طرفی، در قرآن به درک درست آن و پیشگیری از بدفهمی و برداشت نادرست از آیات تأکید شده است (بقره، ۷۵؛ محمد، ۲۴؛ فصلت، ۴۰). از این رو مفسران به دنبال آن بودند که بر اساس روش مناسب و قواعد تفاسیری معتبر به تبیین آیات قرآن

بپردازند. از آنجا که این تفسیر مورد اقبال عموم مردم و مبلغان قرار گرفته است و استفاده از آن رو به افزایش است، لازم است مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا استفاده کنندگان از آن به ویژگی‌های این تفسیر توجه داشته باشند و از طرفی خود مؤلف و همکاران ایشان در صدد رفع نقایص و ارتقاء آن بپردازند. از راه‌های تقویت این روند، بررسی این تفسیر از جنبه قواعد و روش‌شناسی است. با وجود اقبال عمومی، هنوز پژوهشی در مورد میزان اعتبار این تفسیر صورت نگرفته و هیچ تحقیقی به بررسی روش‌ها و قواعد تفسیر نور نپرداخته است.

در همین خصوص، این تحقیق در صدد است قواعد و روش‌شناسی تفسیر نور را بررسی کند و به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- ۱- چه میزان مؤلف در تفسیر به قرائات مختلف و برگزیدن قرائت صحیح اهتمام داشته است؟
- ۲- در معنایابی واژگان قرآن از چه روشی و منابعی استفاده شده است؟
- ۳- چقدر در تفسیر آیات، به قاعده سیاق و قواعد ادبیات عرب توجه شده است؟
- ۴- چه میزان در تفسیر هر آیه از آیات دیگر یا روایات ائمه استفاده شده است؟
- ۵- در تفسیر نور از مسلمات علمی و عقلی تا چه اندازه استفاده شده است؟

روش تحقیق

روش این تحقیق، توصیف و تحلیل محتوای تفسیر نور بر اساس قواعدی است که مفسران برای دستیابی به مراد خداوند به کار گرفته‌اند. این تحقیق بر اساس مباحث کتاب «روش‌شناسی تفسیر»، بابایی و همکاران (۱۳۸۱) میزان رعایت قواعد تفسیر را بررسی کرده است. این قواعد عبارت‌اند از: اصل توجه به قرائت صحیح، روش

معنایابی واژگان قرآن و توجه به مفاهیم کلمات در زمان نزول، رعایت قواعد ادبیات عرب، استفاده از آیات دیگر و روایات، سیاق و نحوه استفاده از قرائن متصل و منفصل و استفاده از مسلمات علمی و عقلی. نوآوری این تحقیق آن است که برداشت‌های تفسیر نور در آیات قرآن را بر اساس این قواعد مورد تحلیل قرار می‌دهد تا روشن شود مؤلف به چه میزان به هر قاعده توجه داشته و آن را در برداشت‌های خود عملاً رعایت کرده است.

مبانی نظری تحقیق

معرفی تفسیر نور

تفسیر نور نتیجه تلاش‌های حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی است. این تفسیر توسط مؤسسه در راه حق در سال ۱۳۷۴ نشر یافت. «مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن»، تفسیر نور را با ویرایش دوم در بهار ۷۹ به چاپ رساند. این تفسیر ترتیبی است و با سوره حمد آغاز شده و به ترتیب همه آیات، سوره به سوره پیش رفته و با سوره ناس به پایان می‌رسد. استاد قرائتی پیش از ورود به مباحث تفسیری هر سوره ابتدا تعداد آیات آن سوره و اینکه چندمین سوره است و در چه جزئی از قرآن قرار دارد را بیان می‌کند. سپس تحت عنوان «سیمای سوره» به معرفی سوره می‌پردازد. پس از مشخص کردن مکی و مدنی بودن آن، علت نامیدن سوره به این نام مشخص را بیان می‌کند. سپس محتوای سوره را در قالب ۵ عنوان توضیح می‌دهد:

۱. ارائه متن آیه با رسم‌الخط عثمان طه و با اعراب کامل.
۲. ترجمه هر آیه با استفاده از بهترین ترجمه‌های موجود (حداقل ۶ ترجمه) و مطالب توضیحی در پراگماتیک.

۳. بیان نکته‌ها که شامل این امور است: الف) بیان ریشه و ترجمه لغات مشکل آیه (بدون بیان اصطلاحات فنی، ادبی، فقهی، کلامی و فلسفی که فهم آن مخصوص گروه خاص است). ب) بیان شأن نزول آیه و مطالب تاریخی با استفاده از کتاب‌های تاریخی معتبر مثل الصحيح من السیره. ج) بیان آیات مرتبط با آیه که در فهم موضوعی قرآن تأثیر بسزایی دارد. د) بیان نمونه‌هایی از روایات ذیل آیه. ه) بیان برخی توضیحات برای روشن تر شدن مفهوم آیه. و) طرح برخی پرسش‌ها و پاسخ‌گویی به آن‌ها.

۴. پیام‌ها که مقصود اصلی مؤلف از این تفسیر همین بخش بوده است و از تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت استخراج کرده است تا نشان دهد قرآن کتاب زندگی بشر در همه عصرها و برای همه نسل‌هاست. البته مستند برداشت‌های مؤلف (چنانکه در پایان هر پیام آمده) یکی از امور زیر می‌باشد: الف) مفردات کلمات هر آیه ب) عبارتی مرکب از چند کلمه ج) رابطه صدر و ذیل آیه د) رابطه هر آیه با آیات قبل.

۵. پاورقی که نشانی آیات و روایات و کتب تفسیری را به صورت مختصر آورده است. همچنین مطالب دیگر که در قالب نکته‌ها و پیام‌ها نمی‌گنجید، در پاورقی ذکر شده است (مقدمه تفسیر نور).

قواعد و روش‌ها در تفسیر نور

این قواعد را می‌توان در ضمن موارد زیر بیان کرد:

۱. تجمیع مفاهیم مشابه، ذیل عنوان مناسب

از مهارت‌های مؤلف، دقت در مفاهیم مشابه و تجمیع آنان در ذیل یک عنوان مناسب و بیان ارتباط بین آن‌هاست. ایشان در چند جمله هم‌سو، پیام کلی برای آیات در نظر می‌گیرد و عنوان مناسبی به آن می‌دهد و بین آن مفاهیم ارتباط خوبی برقرار می‌کند.

به عنوان نمونه در نکته‌های آیه ۸۸ سوره مائده آورده است که معمولاً فرمان «کلوا» در قرآن همراه با دستور دیگری آمده است؛ مانند:

«كُلُوا ... وَاشْكُرُوا» (بقره، ۱۷۲)، «كُلُوا ... وَلَا تَطْغَوْا» (طه، ۸۱)، «كُلُوا ... وَاعْمَلُوا» (مؤمنون، ۵۱)، «كُلُوا ... وَأَطِيعُوا» (حج، ۲۸)، «كُلُوا ... وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف، ۳۱) و «كُلُوا ... وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (انعام، ۱۴۲) (قرائتی، ۱۳۸۳، جلد ۳: ۱۵۴).

۲. تقسیم‌بندی کردن مفاهیم

مؤلف با دقت در تقسیم‌بندی و عددی کردن مفاهیم، نظمی به آموزش خود بخشیده و فراگیری را برای مخاطب آسان کرده است؛ مثلاً در تفسیر آیه ۱۳ سوره کهف در نکته‌ها مردم را نسبت به فساد جامعه به سه دسته کرده است:

الف) گروهی در فساد جامعه هضم می‌شوند (آنان که هجرت نکنند و ایمان کامل نداشته باشند) «وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ» (مدثر، ۴۵).

ب) گروهی که در جامعه فاسد، مثل اصحاب کهف، دین خود را حفظ می‌کنند. «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ» (کهف، ۱۳).

ج) گروهی مثل انبیاء (ع) و اولیاء که جامعه فاسد را تغییر می‌دهند و اصلاح می‌کنند. «يَزَكِّيهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲) (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۱۴۶).

۳. کالبد شکافی مفاهیم

ایشان موضوعات و مفاهیمی را که قابلیت تجزیه و تصویرسازی دارند، تجزیه می‌کنند و فرض‌های قابل تصور را استخراج و به تصویر می‌کشند؛ مثلاً با دقت در جمله

«وَبِأُولَئِكَ إِحْسَانًا» (بقره، ۸۳)، نکات جالبی در مورد احسان به والدین، مانند عدم شرط مسلمان بودن و فرق بین آن‌ها و حد و مرز نداشتن احسان برداشت می‌کند (صنعت‌پور، ۱۳۹۵، ص ۹۶).

۴. ارائه مفاهیم در قالب اشکال منطقی

از کارهای ایشان، جمع‌آوری مضامین مرتبط و پراکنده و ارائه آن به صورت منطقی است و صغری و کبری را از متون دینی انتخاب می‌کند و از آن یک نتیجه به دست می‌آورد. در تفسیر آیه ۱ سوره مؤمنون از دو مقدمه، این نتیجه گرفته شده است:

اول: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون، ۱)؛ دوم: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا» (شمس، ۹)؛

نتیجه: «فَالْمُؤْمِنُ هُوَ الْمُزَكَّى»

بنابراین، حقیقت ایمان و تزکیه یکی است و هرکس می‌خواهد خودسازی کند، باید مؤمن واقعی باشد. تزکیه شده واقعی کسی است که ایمان داشته باشد و احکام و تکالیف دینی را به دقت انجام دهد که در آغاز سوره مؤمنون آمده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۸۰).

۵. تقطیع مناسب آیات

ایشان به موضوعاتی برخورد کرده و تکه‌هایی از آیات مختلف در آن موضوع را یکجا آورده است، به صورتی که تحریفی در معنا اتفاق نیفتد. به عنوان نمونه در ذیل آیه ۷ سوره نمل آورده است: آتش در قرآن.

ابلیس به آن افتخار کرد: «خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ» (اعراف، ۱۲)، کافر به آن کیفر می‌شود:

«تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً» (غاشیه، ۴)، ابراهیم در آن سالم ماند: «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا» (انبیاء،

۶۹)، موسی به سراغ آن رفت، ولی پیامبر شد: «آنَسْتُ نَارًا ... نُودِي» (نمل، ۸۷) و ذوالقرنین به وسیله آن فلزات را ذوب و سدسازی کرد: «قَالَ أَنْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا» (کهف، ۹۶) (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۳۹۴).

۶. دقت در وجوه تشابه و تبیین آن

در قرآن کریم معارف بلندی در قالب یک تشبیه آمده است. از شیوه‌های ایشان، دقت در وجوه تشابه و استخراج نکات جالب از آن است. به عنوان نمونه در ذیل آیه ۱۸۷ بقره در تشبیه همسر به لباس، نکات جالبی آورده است: لباس باید در طرح و رنگ و جنس مناسب انسان باشد. همسر نیز باید کفو انسان و متناسب با فکر و فرهنگ و شخصیت انسان باشد. لباس مایه زینت و آرامش است؛ همسر و فرزند نیز مایه زینت و آرامش خانواده‌اند. لباس عیوب انسان را می‌پوشاند؛ هریک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی‌های یکدیگر را بپوشانند و موارد دیگر (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۹۴ و ۲۹۵).

۷. تفسیر موضوعی در برخی آیات

ایشان به تناسب در برخی آیات تفسیر موضوعی انجام داده‌اند و مطالبی را از آیات مختلف در یک موضوع به دست آورده‌اند. در تفسیر موضوعی مفسر می‌کوشد تحقیقات خود را روی یکی از موضوعات زندگی، ایدئولوژیک یا اجتماعی متمرکز سازد و آن را تبیین، تحقیق و مطالعه کند (جلیلی، ۱۳۸۷: ۳۱ و ۴۹ و ۵۷). ذیل آیه ۱۰۶ سوره یوسف روش تفسیر موضوعی طی شده و نشانه‌های مؤمن مخلص آورده شده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۱۷۳ و ۱۷۴). همچنین در ذیل آیه ۱ و ۲ مؤمنون بیان کرده است که چه کسانی رستگارانند؟ (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۸۱ و ۸۲).

یافته‌های تحقیق

در این بخش، نتایج بررسی میزان به کارگیری قواعد تفسیری در تفسیر نور در ضمن موارد زیر ارائه می‌گردد.

بررسی نشان می‌دهد مؤلف آیات بسیار کمی را به روش اجتهادی تفسیر کرده و بیشتر مطالب را با استفاده از تفاسیر دیگر - البته با ابتکار و در قالب پیام‌ها و نکته‌های آیات - تدوین کرده است. روش این تفسیر آمیزه‌ای از روش تفسیر آیات به آیات و روش تفسیر روایی است. می‌توان گرایش این تفسیر را تربیتی دانست که در آن به جنبه‌های اخلاقی و هدایتی قرآن پرداخته است. در این گرایش تفسیری، در یافتن نکته‌های اخلاقی و هدایتی از روایات و تطبیق آیات استفاده می‌کنند (مودب، ۱۳۸۸: ۲۷۳). در این بخش، به کارگیری هفت قاعده تفسیری در تفسیر نور بررسی می‌شود.

اول: میزان توجه به قرائات در تفسیر نور

قرائت از مباحث مهم در علوم قرآن و به معنای خواندن و به لفظ درآوردن کلمات و عبارت‌هاست. مقصود از قرائت صحیح، قرائتی است که با آنچه بر پیامبر اسلام(ص) نازل شده و آن حضرت بر مردم تلاوت کرده است، مطابقت داشته باشد. لزوم در نظر گرفتن قرائت صحیح به این دلیل است که حروف، ساخت (شکل) کلمه‌ها و حرکات آخر آن‌ها در جمله‌ها و آیات قرآن در معانی آن‌ها نقش اساسی دارند و کلمه‌ها بر اساس حروف و شکل‌های مختلف و سکون و حرکت‌های گوناگونی که در جمله‌ها دارند، معانی گوناگونی می‌یابند. تبیین مفاد آیات و آشکار نمودن مراد خداوند، بیش از هر چیز به حروف، شکل کلمات و حرکات و سکون آخر آن‌ها - آن گونه که نازل شده‌اند - وابسته است و شناخت این سه بر آگاهی از قرائت صحیح آیات کریمه متوقف است (رجبی، ۱۳۹۰: ۴۲ و ۴۳).

بررسی تفسیر آیه به آیه ۲۵ جزء قرآن در تفسیر نور ۱۲ جلدی، از جلد ۱ تا جلد ۱۰ نشان داد که در هیچ مورد مؤلف به بررسی قرائات متعدد نپرداخته و البته به قرائت‌های شاذ توجهی نکرده است. شاید ایشان بر اساس قرائت مشهور (حفص از عاصم) تفسیر آیات را ارائه کرده است.

دوم: بررسی مراعات معنای دقیق واژگان قرآنی

قرآن به زبان عربی مبین است (نمل، ۱۰۳) و فهم آن با فهم واژگانش آغاز می‌شود. لذا فهم درست معنای قرآن منوط به فهم درست کلمات عربی است و همه مفسران از آغاز تاکنون به این نکته توجه داشته‌اند. کسی که در فهم مفردات قرآن مشکل داشته باشد، از فهم درست کلمات ناتوان است. مفسران با مراجعه به کتب لغت عربی و موارد استعمال کلمات به معنای هر واژه دست می‌یابند.

از بررسی ۱۰ جلد تفسیر نور، روشن شد که در حدود ۵۰٪ آیات معنای بعضی از کلمات گفته شده است، از این مقدار آیات نیمی از معناها به منبعی ارجاع داده نشده است. از بقیه آیات بیشترین ارجاع به کتب زیر بوده است:

مورد ۳	تفسیر کشاف	مورد ۱۰	تفسیر راهنما	مورد ۴۳	نمونه
مورد ۲	قاموس المحيط	مورد ۸	لسان العرب	مورد ۳۶	مفردات
مورد ۲	تفسیر فی ظلال القرآن	مورد ۶	نورالتقلین	مورد ۲۸	المیزان
مورد ۱	منابع دیگر	مورد ۵	اطیب البیان	مورد ۱۴	التحقیق فی کلمات القرآن
		مورد ۴	قاموس	مورد ۱۳	مجمع البیان

معجم الوسیط، دائرةالمعارف فرید وجدی، اقرب الموارد، لغت‌نامه دهخدا، معانی- الاخبار، کافی، تفسیر تبیان، تفسیر قرطبی که در هر کدام فقط یک لغت به این منابع

ارجاع داده شده است. این منابع را در ۳ دسته می‌توان قرار داد: کتب لغت، تفاسیر، کتب روایی. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف تفسیر نور در کشف معانی لغات، روش اجتهادی درجه اول که خود معانی لغات را از موارد استعمال آن در قرآن و غیر آن کشف کند، نداشته است. همچنین استفاده ایشان از منابع لغت و کتب دیگر از نوع اجتهاد درجه دو نیست، زیرا در این تفسیر یا به وضوح به معنای لغات توجه شده یا به برخی کتب استناد شده است، بدون این که نقد و بررسی صورت گرفته باشد.

سوم: بررسی توجه به قواعد ادبیات عرب برای تبیین مفاد آیات قرآن

افزون بر دانستن مفاهیم عرفی کلمات، شناختن معانی و نکاتی که از ساختار و قالب‌های ترکیبی و موقعیت ویژه کلمه‌ها در ضمن جمله‌ها و جمله‌ها در ضمن آیات، طبق ادبیات عربی فصیح در زمان نزول فهمیده می‌شده، لازم است و تبیین مفاد آیات بدون شناخت معانی یاد شده، ناممکن یا ناقص خواهد بود. شناخت معانی و نکاتی که از امور یاد شده فهمیده می‌شود، از طریق علم صرف، نحو، معانی و بیان و قواعد ادبی میسر است (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۰۸). تفسیر آیات قرآن باید طبق قواعد ادبی مورد اتفاق در علوم صرف، نحو، معانی و بیان باشد. اگر در قاعده‌ای دانشمندان آن علوم اتفاق نظر نداشتند عبارت قرآن مقدم است و آن قاعده تخطئه می‌شود، زیرا چنان که بیان شد معیار صحت و اعتبار قواعد علوم یاد شده، مطابقت آن‌ها با عبارت‌های فصیح عربی است و به دلیل اعجاز و گواهی خبرگان، قرآن از فصیح‌ترین عبارت‌های عربی است. مخالفت قواعد با قرآن نشانه ضعف یا نادرستی قواعد است (همان، ص ۱۱۱).

در بررسی ۲۵ جزء قرآن از تفسیر نور مشخص شد که مؤلف بر اساس قواعد

عربی آیات را تفسیر کرده است. به چند نمونه از این قواعد اشاره می‌شود.

فعل مضارع مراحل استمرار و دوام را می‌رساند. موارد زیر نشان می‌دهد که مؤلف تفسیر نور با این لحاظ به تفسیر کلمه و آیه پرداخته است: در سوره بقره آیه ۳ «یقیمون»، دائمی باشد نه موسمی و مقطعی (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۵). در آیه ۲۷ بقره در شرح «ینقضون» (پیمان شکنی) شیوه فاسقان (همان: ۸۳). در آیه ۱۸۷ بقره، استجاب خدا دائمی است نه موسمی، زیرا «أجیب» نشانه دوام است (همان: ۲۹۳). در آیات دیگر نیز به معنای استمرار در فعل مضارع توجه شده و شرح و تفسیر بر اساس آن بوده است:

سوره بقره: لاینال، (۷۹) یکسبون، (۱۵۰) لاتمّ نعمتی، (۱۵۹) یکتمون، (۲۱۲) یسخرن، (۲۵۶) یکفر، یؤمن.

سوره آل عمران: (۸۳) بیغون، (۸۶) لایهدی، (۱۹۱) یتفکرون، (۱۰۴) یدعون، یأمرون، ینهون، (۱۴۱) یمحص: استمرار و یمحق: تدریج.

نساء آیات ۶۱ و ۱۶۲ «یصدون»، مائده/۳۳ «یحاربون، یسعون»، مائده/۵۵ «یقیمون و یؤتون»، مائده/۸۰ «یتولون»، نشانگر دائمی بودن آن است. در آیه ۹۱ «برید» نشانه استمرار تحریکات شیطانی است.

همین‌طور استاد قرائتی با توجه به معنای فعل ماضی و امر به شرح آیات پرداخته است. برای نمونه در آیه ۲۸۲ بقره، «فلیعمل» صیغه امر نشانه لزوم این کار است (همان: ۴۵۵). در عنکبوت/۶۹ و فصلت/۱۷، ۱۸، بر اساس معنای فعل ماضی، به شرح آیات پرداخته است (همان، ج ۹: ۱۷۳).

تکرار کلمه یا عبارت می‌تواند معنای خاصی داشته باشد که استاد قرائتی از آن در شرح آیات استفاده کرده است. برای نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم. تکرار «ایاک» در سوره حمد به خاطر شیرین بودن گفت‌وگو با محبوب است (همان، ج ۱: ۲۸). در

سورة مائده، آیه ۴۲ تکرار «سماعون» شاید اشاره به این باشد که این روش، خصلت آن‌ها شده است (همان، ج ۳: ۸۹). تغییر قبله حادثه مهمی بود، لذا در آیه دو بار، توجه به کعبه فرمان داده شده است (بقره/ ۱۴۴). در آیه ۹۳ سورة مائده تکرار ایمان و عمل صالح - تکرار تقوا و ایمان - بعضی به خاطر استمرار و برخی برای تأکید دانسته‌اند (همان، ج ۳، ص ۱۶۳).

توجه به حروف: استاد قرائتی با توجه به معانی حروف، آیه را شرح داده است. مثلاً از معانی حرف لام تأکید است. در بقره/ ۱۰۳ «لَمْتُوَيَّةٌ» لام برای تأکید این است که پاداش الهی قطعی است (همان، ج ۱: ۱۷۳). در نساء/ ۸۷ «لِيَجْمَعَنَّكُمْ» لام تأکید و نون تأکید ثقیله، جمله «لاریب» و جمله «اصدق حدیثاً» همه به خاطر غفلت انسان از قیامت است (همان، ج ۲: ۳۴۶). در مائده/ ۹۴ «لِيلِيُونَكُمْ»، ل + فعل مضارع + ن تأکید، نشانه قطعی بودن آزمایش مؤمنان است (همان، ج ۳ ص ۱۶۵). در حج/ ۳۹ «إِنَّ» و ل، در مؤمنون/ ۱۱۱، هم + انهم در «أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» اشاره به انحصار رستگاری در آن گروه دارد (همان، ج ۸: ۴۸ و ۱۳۵).

حرف «من» در قرآن زیاد است. برای نمونه «مَمَّا» در بقره/ ۳ «من ما» است و یکی از معانی «مِن» بعض است، یعنی بعضی از آنچه روزی کرده‌ایم - نه همه را - اتفاق می‌کنند. «ما» در این گونه موارد در ادبیات عرب به معنای هر چیز است (همان، ج ۱: ۴۵). همین معنا در شرح آیه ۴ سوره مائده «فَكُلُوا مِمَّا امْسَكْنَ عَلَيْكُمْ» آمده است. حرف «من» یعنی بخشی از آن را بخورید (همان، ج ۳: ۳۱).

«أَمَّا» به معنای حصر است و استاد قرائتی بر اساس این معنا در شرح آیه بقره/ ۱۷۳ گفته است: با توجه به این که خوردنی‌های حرام، بیش از چهار موردی است که در آیه مطرح شده است، پس «أَمَّا» به معنای حصر عقلی نیست، بلکه در

مقابل تحریم‌های جاهلیت است (همان، ج ۱: ۲۶۴). در مائده/۵۵ نیز «انما» نشانه انحصار ولایت در افراد خاص است (همان، ج ۳: ۱۱۲).

چهارم: بررسی استفاده از آیات در تفسیر کلمات و مفاهیم

در تفسیر هر آیه‌ای پس از روشن شدن ظهور آن، باید همه آیات مرتبط با آن تفحص شود و مراد خدای متعال از آن آیه با توجه به همه آیات مرتبط به آن بدست آید (بابایی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۹۸). از قواعد مهم تفسیر، استفاده از آیات دیگر برای تفسیر کلمات و مفاهیم آیات قرآن است. استاد قرائتی به این قاعده بسیار توجه داشته و اغلب بر اساس آیات دیگر به تفسیر کلمات و مفاهیم قرآن پرداخته است. در بررسی ۲۵ جزء از تفسیر نور روشن شد که بسیاری از آیات با آیات دیگر تفسیر شده است؛ برای نمونه چند مورد ذکر می‌شود.

جزء اول: در تفسیر آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (حمد، ۱) از آیات زیر استفاده کرده است:

الف: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمَرْسَاهَا» (هود، ۴۱)؛ وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح (ع) به یاران خود گفت: سوار شوید که حرکت و توقف این کشتی با نام خداست.

ب: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (نمل، ۳۰)؛ حضرت سلیمان (ع) نیز وقتی ملکه سبا را به ایمان فراخواند، دعوت‌نامه خود را با این جمله آغاز نمود.

ج: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص، ۸۸)؛ بسم‌الله رمز بقا و دوام است، زیرا هر چه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است.

جزء دوم: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (بقره، ۱۵۲)؛ «پس مرا

یاد کنید تا شما را یاد کنم و برای من شکر کنید و کفران نورزید». در تفسیر این آیه از آیات زیر استفاده شده است:

الف: «اذْکُرُوا نِعْمَتِي» (بقره، ۴۰)؛ «نعمت‌های مرا یاد کنید»، زیرا درجات شناخت

و معرفت مردم را نشان می‌دهد و یاد خدا زمینه‌ساز شکر است.

ب: «اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۴)؛ یاد خدا تنها با زبان نیست؛ با دل و جان باید

خدا را یاد کرد. یاد خدا هنگام گناه و دست کشیدن از آن، یاد واقعی است و بهترین نوع یاد کردن خداوند نماز است.

ج: «اَوْفُوا بِعَهْدِي اَوْفِ بِعَهْدِكُمْ» (بقره، ۴۰) و «فَافْسَحُوا لِلَّهِ لَكُمْ» (مجادله،

۱۱)؛ خداوند با انسان داد و ستد می‌کند و هیچ کاری از انسان را بی‌بهره نمی‌گذارد.

د: در موانع ذکر خدا «فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ» (مجادله، ۱۹)؛ «شیطان آنها را از یاد

خدا غافل کرد.»

و: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ» (تکواثر، ۱)؛ «شما را افزون‌خواهی، سرگرم ساخت.»

ه: «وَيَلْهِيهِمُ الْأَمَلُ» (حجر، ۳)؛ «آرزو، آنها را سرگرم نمود.»

جزء سوم: «رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»

(آل عمران، ۹)؛ «پروردگارا! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست،

گردآوری. همانا خداوند وعده خود را تخلف نمی‌کند.» در تفسیر این آیه «إِنَّ يَوْمَ

الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا» (نبا، ۱۷) استفاده شده و آمده که روز قیامت، هم روز جمع است که

مردم یک جا برای حسابرسی جمع می‌شوند (جامع الناس) و هم روز فصل است که

بعد از محاکمه، هر یک جداگانه به جایگاه خود می‌روند. در جمع‌بندی می‌توان گفت

استاد قرآنی در موارد بسیاری، معنای کلمات در یک آیه و مفهوم و مراد آیه را بر

اساس آیات دیگر تبیین کرده است؛ به حدی که می‌توان تفسیر نور را تفسیر قرآن به

قرآن دانست.

پنجم: بهره‌گیری از روایات معتبر

بهره‌گیری از روایات معتبر حضرت رسول (ص) و امامان معصوم (ع) در تفسیر آیات به سه دلیل لازم است:

الف) اصول عقلایی محاوره: مکتوبات دو دسته‌اند: کتاب‌هایی که به صورت روان و ساده برای عموم نوشته می‌شود و مطالب آن، قابل فهم برای همگان است و نیازی به معلم ندارد. کتاب‌هایی که بخشی از مطالب آن تخصصی و علمی است و قابل فهم همگان نمی‌باشد و چه بسا گوینده یا نویسنده برای اینکه سخنش طولانی نشود، مطالب را به صورت کلی و سر بسته بیان کند یا بنا به دلایلی مواردی از نوشته یا سخن را مجمل و متشابه بیان کند و شرح آن را به عهده معلم بگذارد.

روش عقلاء در این دو دسته مطلب متفاوت است. در گروه اول به آنچه از ظاهر کلام فهمیده شود، بسنده می‌کنند و در دسته دوم برای فهم مطالب، علوم پیش‌نیاز و یا مراجعه به معلم را لازم می‌دانند و به آنچه از ظاهر کلام بدون معلم فهمیده شود، اعتماد نمی‌کنند. آیات کریمه قرآن هم دو گونه هستند: برخی آیات معنای ساده و ظاهری دارند و به راحتی قابل فهم هستند. بعضی از آیات معنای عمیق‌تری دارند و بدون کمک گرفتن از روایات، فهم آن‌ها از مراد واقعی خداوند امکان‌پذیر نیست. این دسته از آیات بسیارند و در مورد احکام عبادی و غیرعبادی و غیر آن است؛ برای نمونه می‌توان از آیه حدّ سرقت (مائده، ۳۸) نام برد که در آیات قرآن، از اینکه دست دزد در چه شرایطی قطع می‌شود، چه قسمتی از آن را باید قطع کرد و چه کسی باید این کار را انجام دهد، سخنی به میان نیامده و جز از راه روایات نمی‌توان حکم آن را به دست آورد.

ب) دلیل قرآنی: برای اثبات لزوم استفاده از روایات در تفسیر آیات، به برخی آیات و از جمله آیه‌ای که پیامبر (ص) را معلم و مبین قرآن معرفی می‌کند، استدلال

شده است؛ از جمله: « ذکر را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان نازل شده است، تبیین کنی و بدان امید که بیندیشند» (نحل، ۴۴). در این آیه به قرینه سیاق «و انزلنا الیک» منظور از «الذکر» قرآن است، زیرا آنچه خدا بر نبی اکرم (ص) نازل کرده، قرآن است. همچنین منظور از «مانزل الیه» با توجه به سیاق «قرآن کریم» است.

و به اطلاق «ما نزل الیه» منظور همه آیات است و به خوبی از آن دانسته می‌شود که فهم مفاد قرآن اجمالاً به تبیین پیامبر اسلام (ص) نیاز دارد و مردم بدون تبیین آن حضرت نمی‌توانند به همه معارف آن دست یابند (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

ج) دلیل روایی: دو مطلب از روایات بسیاری که از نظر کثرت در حد تواتر معنوی است (همان، ص ۱۵۵؛ به نقل از حرّ عاملی در وسائل الشیعه) استفاده می‌شود:

اولاً قرآن کتابی است که برای فهم محتوای بخش‌هایی از آن به معلم و مبین نیاز است. ثانیاً همان گونه که پیامبر (ص) مبین و قیم قرآن است، حضرت علی (ع) و ائمه اطهار نیز، بعد از پیامبر (ص) مبین و معلم قرآن‌اند؛ برای نمونه از شواهد این امر، حدیث منصور بن حازم است (همان: ۱۵۵ و ۱۵۶).

بررسی تفسیر نور نشان داد که استفاده از روایات در تفسیر آیات قرآن بسیار زیاد بوده است؛ برای نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. از امام رضا (ع) در تفسیر آیه ۱۵ سوره بقره، نقل شده است که خداوند، اهل مکر و خدعه و استهزاء نیست، لکن جزای مکر و استهزای آنان را می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۰؛ به نقل از تفسیر نورالتقلین، ج ۱: ۳۰).

۲. در تفسیر آیه ۱۷ سوره بقره از امام رضا (ع) نقل شده است که معنای آیه «ترکهم فی ظلمات...» آن است که خداوند آنان را به حال خود رها می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۲).

۳. در تفسیر آیه ۲۵ بقره از امام صادق (ص) درباره ازواج مطهره نقل شده است که همسران بهشتی آلوده به حیض و حدث نمی‌شوند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۷۷).
۴. در تفسیر آیه ۳۷ بقره در تفسیر درالمنثور (ج ۱، ص ۶۰) به نقل از ابن عباس آمده است که آدم برای پذیرش توبه‌اش، خداوند را به این نام‌ها قسم داد: «بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۹۷).
۵. در تفسیر آیه ۴۵ بقره (و از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است) از بحار (ج ۷۱، ص ۷۷) در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که صبر بر سه نوع است: ۱. صبر در برابر معصیت ۲. صبر در برابر معصیت ۳. صبر در برابر عبادت (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۰۵).
۶. در تفسیر آیه ۱۱۷ بقره (پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین اوست و هنگامی که فرمان (وجود) چیزی را صادر کند فقط می‌گوید: باش! پس (فوراً) موجود می‌شود.) از امام رضا (ع) نقل شده است که خداوند در کار خویش حتی نیازمند گفتن کلمه «کن» نیست؛ اراده او همان و آفریدن همان است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۸۹؛ به نقل از کافی، ج ۱: ۱۰۹).
۷. در تفسیر آیه ۱۶۵ سوره بقره، کافی (ج ۱، ص ۳۷۴) از امام باقر (ع) نقل کرده است که مراد از «دُونِ اللَّهِ» و «أَنْدَاداً» بت‌ها نیستند، بلکه مراد پیشوایان ستمکار و گمراه‌اند که مردم آنان را همچون خداوند دوست دارند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۵۳).
۸. در تفسیر آیه ۱۸۹ بقره به نقل از امام صادق (ع) آمده است که مراد از آیه «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» این است که برای هر کاری باید از راهش وارد شد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۰۰؛ به نقل از تفسیر برهان، ج ۱: ۱۹۰).
۹. در تفسیر آیه ۱۹۵ بقره از امام صادق (ع) نقل شده است که انفاق شما، نباید در حدی باشد که دست خودتان خالی باشد و به بدبختی کشیده شوید (مجلسی، ج ۹۳: ۱۶۸).

۱۰. در تفسیر آیه ۱۹۶ بقره با دو حدیث (تفسیر نورالتقلین، ج ۱: ۱۸۱؛ برهان، ج ۱: ۱۹۳) از امامان معصوم در تفسیر جمله «أَتَمُّوا الْحَجَّ» نقل می‌کند حج تمام، حجتی است که در آن کلام زشت، گناه و نزاع نباشد و از محرمات پرهیز شود و نیز انسان توفیق یابد امام زمان خود را ملاقات کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۱۱؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۳: ۱۸۳).

از بررسی ۶۱ مورد، روشن گردید که استاد قرائتی از روایات برای تفسیر آیات قرآن در ابعاد زیر کمک گرفته است:

تعداد موارد	بعد مفهومی برداشت از روایات
۷	بیان معنای یک کلمه
۱۳	بیان مراد خداوند از یک کلمه
۱۴	بیان مصادیق و تأویل یک کلمه
۶	شرح و بسط مفهوم یک کلمه
۱	شرح کلمات مقطعه
۹	بیان مراد از یک جمله و عبارت
۷	بیان مصادیق یک جمله و عبارت

ششم: عنایت به سیاق

در بررسی ۲۵ جزء از تفسیر نور روشن شد که در موارد متعددی از سیاق استفاده شده است که چند نمونه بیان می‌شود:

۱. در تفسیر آیه «وَمَكْرُؤٌ وَّمَكْرَ اللَّهِ...» (آل عمران، ۵۴) آمده است که گرچه آیه به یکی از سنت‌های الهی اشاره دارد، ولی با توجه به آیات قبل که حضرت عیسی

کفر بنی اسرائیل را احساس کرد و با توجه به آیه بعد که خداوند عیسی (ع) را به آسمان برد، می‌توان چنین استدلال کرد که مراد از مکر در اینجا، توطئه قتل حضرت عیسی است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۱).

۲. در تفسیر آیه «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ...» (یوسف، ۴۲) دو بار از سیاق استفاده شده است:

الف) کلمه «ظن» به معنای اعتقاد و علم استعمال شده است، زیرا در آیه قبل، یوسف به صراحت و قاطعیت از آزادی یکی از زندانیان و اعدام دیگری خبر داده است. بنابراین «ظن» در اینجا به معنای گمان همراه با شک و تردید نیست.

ب) در بعضی تفاسیر، جمله «فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ» را در آیه ۴۲ یوسف این گونه ترجمه کرده‌اند که «شیطان یاد پروردگار را از ذهن یوسف برد و او به جای استمداد از خداوند به ساقی شاه توجه کرد». این برای یوسف ترک اولی بود و لذا سال‌های دیگری را نیز در زندان ماند. اما سیاق نشان می‌دهد که منظور از «رب»، پادشاه است. چرا که دو آیه بعد آمده است «وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ» فراموش‌کننده بعد از مدت‌ها یوسف را به خاطر آورد. از این معلوم می‌شود که فراموشی مربوط به ساقی بوده است نه یوسف (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۸۴ و ۸۵).

۳. در تفسیر آیه «ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي...» (یوسف، ۵۲) آمده است: در اینکه این عبارت کلام یوسف (ع) است یا ادامه کلام همسر عزیز مصر، دو نظر وجود دارد؛ آقای قرائتی معتقد است جمله از یوسف (ع) است. به دلیل محتوای آیه که می‌گوید من خیانت نکرده‌ام. اگر مربوط به زن عزیز مصر باشد که او واقعاً خیانت کرده بود، اما جمله مربوط به یوسف است، زیرا خواست با این کارش نشان دهد که هیچ خیانتی نسبت به عزیز مصر نداشته است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۹۷).

۴. در تفسیر آیه «فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا...» (مریم، ۲۴) آمده است: بعضی گفته‌اند که نداکننده، جبرئیل بوده است، اما سیاق آیات نشان می‌دهد که منادی، عیسی بوده است تا مادر سخن او را بشنود و باور کند و بعد با خاطری آسوده به مردم بگوید که پاکدامنی مرا از نوزاد در گهواره بیرسید (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۵۸).

در میان موارد بالا در استفاده از سیاق در تفسیر نور، مورد ششم، سیاق جمله و بقیه موارد سیاق آیات است. در جمع بندی می‌توان گفت که استاد قرائتی به طور نسبی، سیاق را در تفسیر آیات مد نظر داشته است.

هفتم: توجه به مسلمات عقلی، علمی و...

با بررسی مجلدات تفسیر نور روشن شد که مؤلف در تفسیر آیات، در موارد بسیار کمی از مسلمات عقلی و علمی استفاده کرده است. بررسی تفسیر آیات علمی قرآن که مفسران به آن پرداخته‌اند، در تفسیر نور نشان از ادعای فوق دارد. چند مورد از این استفاده‌ها عبارت‌اند از:

۱. مؤلف در تفسیر آیه «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (بقره، ۱۶۴) از یک استدلال فلسفی و برهان نظم استفاده کرده و هماهنگی بین نظام خلقت را بیان کرده است. به عبارتی هماهنگی میان عناصر طبیعت و اجزای هستی و قوانین حاکم بر آن‌ها، همه نشان‌دهنده حاکمیت و قدرت و اراده خدای یگانه است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۵۱).

۲. در تفسیر آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ...» (بقره، ۱۷۳) آمده است:
الف) یک یافته علمی با این بیان نقل می‌شود: طبق نظریه‌های بهداشتی، گوشت خوک عامل دو نوع کرم کدو و تریشین است.

ب) طرز بیان در قاعده اضطرار به این صورت است: کسی که برای حفظ جان خود هیچ غذایی نداشته باشد، می‌تواند به خاطر اضطرار از غذای حرام استفاده کند؛ مشروط بر اینکه از روی سرکشی و نافرمانی و ستمگری نباشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۶۳ و ۲۶۴).

۳. در تفسیر آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...» (بقره، ۱۸۵) از قاعده لاجرح به این صورت استفاده شده است: اسلام دین آسان و بنای آن بر سهولت و عدم سخت‌گیری است. هرکس مریض یا مسافر بود روزه نگیرد و قضای آن را انجام دهد. اگر وضو گرفتن مشکل است، تیمم را جایگزین می‌کند. اگر ایستادن در نماز مشکل است، اجازه نشسته نماز خواندن را می‌دهد که این قانون به نام «قاعده لاجرح» در فقه مشهور است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۸۸).

۴. در تفسیر آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...» (بقره، ۲۱۹) در مورد قمار چنین آمده است: قمار نیز از جمله عوامل هیجان، بیماری‌های عصبی، سکنه‌های مغزی و قلبی، بالا رفتن ضربان قلب، بی‌اشتهایی و رنگ‌پریدگی و... است. همچنان که بررسی‌کنندگان، سی درصد آمار جنایات را مرتبط با قمار دانسته‌اند. در ضمن قمار، در شکوفایی اقتصادی نقش تخریبی داشته و نشاط کار مفید را از بین می‌برد. در بعضی از کشورهای غیراسلامی نیز در سال‌هایی قمار را ممنوع و غیرقانونی اعلام کرده‌اند. مثلاً انگلستان در سال ۱۸۵۳، شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام کردند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۴۶).

۵. در تفسیر آیه «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا...» (اعراف، ۱۳۷) در مورد مشارق و مغارب آمده است: پیش از اکتشاف بشر، قرآن زمین را کروی معرفی کرده است. زیرا لازمه تعدد مشرق «مشارق» و مغرب «مغارب» کروی و در حرکت بودن زمین است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۶۲).

۶. در تفسیر آیه «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ...» (لقمان، ۱۰) از اعجاز علمی قرآن سخن آمده به این گونه که در این آیه به چند نمونه از اعجاز علمی قرآن در زمانی که بشر حتی تصور و گمان آن را نیز نداشت، اشاره شده است؛ یکی اشاره به ستون‌ها و اهرم‌های نامرئی برای استقرار کرات و اجرام آسمانی است؛ یعنی قوه جاذبه و نیروی گریز از مرکز (دو قدرتی که رمز گردش کرات در مدار خود هستند). اعجاز دیگر، اشاره به محافظت زمین از لرزش، به وسیله استقرار کوه‌ها و همچنین اشاره به قانون زوجیت در گیاهان می‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۲۳۶). بنابراین روشن شد که استاد قرائتی در تفسیر آیات از یافته‌های علمی و مسلمات عقلی بسیار کم استفاده کرده و در این موارد به منبع و سندهای آن اشاره نکرده است.

نتیجه‌گیری

از یافته‌های این تحقیق در مورد تفسیر نور، روشن شد که مؤلف در هیچ مورد به بررسی قرائات متعدد نپرداخته و در بررسی مفاهیم لغات قرآن روش اجتهادی نداشته و در برخی آیات معنای کلمات را بیان کرده و از این مقدار برخی معناها به منبعی ارجاع نداده است.

در تفسیر آیات به قواعد عربی توجه شده و در موارد متعددی از سیاق و در موارد بسیار کمی از مسلمات عقلی و علمی استفاده شده است. این تفسیر بیشتر از آیات همسو و روایات استفاده کرده و منبع اصلی آن، آیات و روایات است.

روش این تفسیر، آمیزه‌ای از روش نقلی و اندکی اجتهادی و در موارد فراوانی برداشت‌های ذوقی در قالب پیام‌ها و نکات قرآنی است. گرایش این تفسیر بیشتر تربیتی و اجتماعی است.

کتابنامه

- قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی)، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، چاپ: ۲، ۱۳۷۳ ش.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة، قم.
- ابن فارس، احمد بن فارسی بن زکریا (بی تا). معجم مقاییس اللغة، تحقیق و ضبط: عبدالسلام هارون، قم: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۳). فرهنگ معاصر عربی به فارسی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- بابایی، علی اکبر و دیگران (۱۳۸۱). روش شناسی تفسیر قرآن، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- _____ (۱۳۹۴). قواعد تفسیر قرآن، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- _____ (۱۳۸۱). مکاتب تفسیری، جلد اول، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- جلیلی، سید هدایت الله (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی، چیستی، بنیانها و پیش فرضها، قم: بوستان کتاب.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۸ق). معجم الصحاح، قاموس عربی - عربی، اعتنی به خلیل مامون شیخا، بیروت: دارالمعرفه.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین (۱۴۰۴ق). مفردات غریب القرآن، بی جا: دفتر نشر کتاب.
- رجبی، محمود و دیگران (۱۳۹۰). روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رشیدرضا، محمد (بی تا). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر به تفسیر المنار للمحمد عبده، بی جا: دارالفکر.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). منطق تفسیر قرآن (۱)، تدوین دفتر تدوین متون و برنامه ریزی درسی، قم: جامعه المصطفی ۶ العالمیه.

- زیبیدی، محمد مرتضی (۱۴۰۹ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا: دار الهدایه.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر (۱۹۹۶م). اساس البلاغه، بیروت: مکتبه لبنان.
- سبت، خالد بن عثمان (۱۴۲۶ق). قواعد التفسیر جمعاً و دراسته، القاهره: دار ابن عفان؛ الرياض: دار ابن القیم.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (بی تا). التوحید، قم: جامعه مدرسین.
- صنعت پور امیری، حسین (۱۳۹۵). نیم قرن تدریس و تبلیغ (حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی)، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین (۱۹۸۵م). مجمع البحرین، بیروت: مکتبه الهلال.
- عمید، حسن (۱۳۷۲). فرهنگ عمید (دو جلدی)، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۹۹۱م). القاموس المحیط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا). المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، بی جا: دارالجمهره.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور (۱۲ جلدی)، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (بی تا). اصول کافی (۴ جلدی)، جلد چهارم با ترجمه و شرح هاشم رسولی، شیراز: انتشارات علمیه اسلامیه.
- _____ (۱۴۲۹ق). الکافی، قم: ط - دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مختاری، رضا (۱۳۹۱). زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۵). قرآن شناسی، تحقیق و نگارش محمود رجبی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.

مکارم، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۸). مبانی تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه.

_____ (۱۳۸۶). روش‌های تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه.

Bibliography

- Holy Qur'an (translation by Nasser Makarem Shirazi), Office of History studies and Islamic Sciences, Qom, Edition: 2, 1373SH.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibatullah, Sharhe Nahj al-Balagha, Qom, first edition, 1404 AH.
- Ibn Faris, Ahmad ibn Farsi ibn Zakaria, Ma'jam Maqayys al-Lagheh, Research and recording: Abd-alSalam Haroun, Dar al-Kitab al-Elmiya, Qom, WD.
- Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Mokram, Ilesan al arab, Dar Ihya Al-Trath al-Arabi, Beirut, 1408 AH.
- Azarnoush, Azartash, Farhanghe loghate arabi be farsi, 4th edition, Ney publication, Tehran, 1383 SH.
- Babaei, Ali Akbar and others, Ravesh shenasi tafsire quran, first edition, Research institute of Hawzeah and university (RIHU), Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samt), Qom, winter 1381SH.
- Babaei, Ali Akbar and others, Ghawaede tafsire quran, first edition, Research institute of Hawzeah and university (RIHU), Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samt), Qom, 1394SH.
- Babaei, Ali Akbar and others, Makatebe tafsiri vol.1 first edition, Research institute of Hawzeah and university (RIHU) and compilation of university humanities books (Samt), Qom, winter 1381SH.
- Jalili, Seyed Hedayatullah, Tafsire mozoei, chisti, pishfarz wa bonyanha, Qom: Bostan Kitab, 1387 SH.
- Johari, Ismail ibn Hammad; Al-Sahah's, Ghamose Arabi beArabi, attention to Khalil Mamun Shiha. - Beirut: Dar al-Marafa, 1428 AH.
- Ragheb Isfahani, Abulqasem Hossein, Mofradate Gharib al-Qur'an, Book Publishing House, WP, 1404 AH.
- Rajabi, Mahmoud and others, Ravesh shenasi tafsire quran, 4th edition, Research institute of Hawzeah and university (RIHU), Qom, Spring 1390SH.
- Rashid Reza, Mohammad. Tafsir al-Qur'an al-Hakim, Al-Manar Mohammad Abduh. [WP]: Dar al-Fekr, [13? A.H.].
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Manteghe tafsire quran (1). Compilation of the book of editing texts and lesson planning [Al-Mustafa 6 Al-Alamiya Society].- Qom: Al-Mustafa 6 Al-Alamiya Society, 1387SH.

- Zubeidi, Mohammad Morteza, Taj al-Arus Men Jawahar Al-Qamus, Al-Mattaba Al-Khairiyeh, no place, Dar Al-Hudaye 1409 AH.
- Zamakhshari, Abu al-Qasim Mahmoud ibn Omar, Asas Al-Balagha, Lebanese School, Nashrun, Beirut, 1996AD.
- Sabat, Khalid Ibn Uthman, Gawaed al tafsir jaman wa derasatam, Dar Ibn Affan, Al-Cairo, Dar Ibn Al-Qayyim, Al-Riyadh, 1426 AH.
- Sadouq, Mohammad ibn Ali ibn Baboyeh, al-Tawheed, community of teachers, Qom, WD.
- Sanatpour Amiri, Hossein, Nim gharn tadrīs wa tabligh (Hojjat al-Islam wal Muslimin Mohsen Qaraeti). First edition, Cultural Center of Lessons from the Qur'an, Spring 1395SH.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Charters of Jamia Madrasin, Qom, WD.
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan, Mojma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Al-Alami Press Institute, Beirut, 1415 AH.
- Torihi, Fakhreddin, Mjma Al-Bahrin, Al-Hilal School, Beirut, 1985AD.
- Amid, Hassan, Farhang Amid (two volumes), 9th edition, Amir Kabir publication, Tehran, 1372SH.
- Firouzabadi, Majaduddin, MOhammad IBn Yaqub, Al-Qamoos Al-Mohit, Dar Ihya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut, 1991AD.
- Fayyumi, Ahmad IBn Mohammad, al-Mesbah al-Munir fi Gharib Sharh al-Kabir, Dar al-Jumrah, WP, WD.
- Qaraati, Mohsen, Tafsir Nur, 12 volumes, 10th edition, Cultural Center of Lessons from the Qur'an, Tehran, spring 1383SH.
- Al-Kolini al-Razi, Mohammad ibn Ya'qub, Al-Kafi (I - Dar al-Hadith) - Qom, first edition, 1429 AH.
- Al-Kolini al-Razi, Mohammad ibn Ya'qub ibn Ishaq, Usul Kafi (4 volumes), the fourth volume with translation and commentary by Haj Sidhashem Rasouli, Islamic Islamic Publications, Shiraz, no date.
- Majlisi, Mohammad Bagher, Bihar al-Anwar, Al-Wafa Institute, Beirut, 1403 AH.
- Mokhtari, Reza, Zendeghiname wa khadamate elmi wa farhanghi Hojjat-ul-Islam wal-Muslimin Mohsen Qaraeti, Tehran: Association of Cultural Artifacts and Prominences, 1391SH.
- Misbah Yazdi; Mohammad Taqi, Quran shenasi, research and writing by Mahmoud Rajabi. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA), 1375SH.
- Moin, Mohammad, Farhanghe loghate Mo'in, 8th edition, Amir Kabir, Tehran, 1371SH.
- Makarem shirazi, Nasser, Tafsire nomoneh, first edition, Dar-al-Kitab al-Islamiya, Tehran, 1374SH.
- Moaddad, Seyyed Reza, Mabani tafsire Qur'an, University Publications, Qom, 1388SH.
- Moaddad, Seyyed Reza, Raveshhae tafsire Qur'an, University Publications, Qom, 1386SH.